

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد مرودشت**

**دانشکده کشاورزی - گروه اقتصاد کشاورزی**

**پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ( M.Sc.)**

**گرایش اقتصاد کشاورزی**

**عنوان:**

**تحلیل سهم و ارتباط بخش ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی**

**استاد راهنما:**

**پروفسور بهاءالدین نجفی**

**استاد مشاور:**

**دکتر فرزانه طاهری**

**نگارش:**

**محسن سلیمانزاده یزدی**

تقدیم به مادرم،

آنکه آفتاب مهرش در آستانه قلبم، همچنان پایرجاست و هرگز غروب نخواهد کرد.

تقدیم به پدرم،

به او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی، سخاوت، سکوت، مهربانی و .....

پدرم راه تمام زندگیست

پدرم دلخوشی همیشگیست

## سپاسگذاری

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب " من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ " از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای پروفیسور بهاءالدین نجفی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور، سرکار خانم دکتر فرزانه طاهری که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛ و از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر نعمت اله موسوی مدیریت محترم کرسی گروه که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین از برادر عزیزم که مشوقم در طی نمودن مسیر کسب علم بود و مهندس ارمان بهمن یار که در تکمیل پایان نامه یاریم نمود مزید تشکر را دارم.

## چکیده

بخش های اقتصادی آثار متعددی بر یکدیگر گذاشته و با توجه به اهمیت نقش هر بخش در جریان توسعه می بایست این آثار بطور دقیق بررسی گردند تا با توجه به میزان و شدت تاثیر پذیری بخش ها از یکدیگر برنامه ای مناسب جهت نیل به تحقیق توسعه اقتصادی تدوین نمود. در این تحقیق هدف اصلی بررسی آثار فعالیتهای بخش کشاورزی بر سایر بخشها و میزان تاثیر پذیر و واکنش بخش کشاورزی نسبت به فعالیتهای روی داده در سایر بخش ها می باشد. ابتدا با استفاده از روش ور به بررسی وجود رابطه تعادلی بلند مدت پرداختیم و از تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس به عنوان ابزاری برای تحلیل تست استرس استفاده نمودیم. نتایج نشان داد که عوالت تاثیر گذار بر میزان درآمد ایجاد شده در بخش کشاورزی درونزا بوده و وابستگی اندکی به عوامل بیرونی دارد.

کلمات کلیدی: بخش کشاورزی ، تجزیه واریانس، رشد اقتصاد

## فهرست

### فصل اول : کلیات پژوهش

- ۱-۱ مقدمه ..... ۲
- ۱-۱-۱ نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی ..... ۳
- ۱-۱-۱-۱ وضعیت بخش های اقتصادی ایران ..... ۷
- ۲-۱ اهداف پژوهش ..... ۱۰
- ۳-۱ فرضیات پژوهش ..... ۱۰
- ۴-۱ مروری بر مطالعات ..... ۱۱

### فصل دوم : تئوری و روش تحقیق

- ۱-۲ مقدمه ..... ۲۵
- ۲-۲ نظریه های توسعه ی مرتبط با ارتباط بین بخشی ..... ۲۵
- ۱-۲-۲ نظریه رشد درونزا ..... ۲۵
- ۲-۲-۲ تئوری رشد متوازن نورکس ..... ۲۷
- ۳-۲-۲ مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R)(اقتصاد دو بخشی) ..... ۲۸
- ۴-۲-۲ مدل توسعه اقتصادی لوئیس ..... ۲۹
- ۵-۲-۲ مدل رشد نامتوازن هیرشمن ..... ۳۲
- ۱-۵-۲-۲ تشریح مدل ..... ۳۳
- ۲-۵-۲-۲ پیوندها یا ارتباط بخش های پیشتاز ..... ۳۴
- ۶-۲-۲ استراتژی های توسعه در دهه ۱۹۵۰ ..... ۳۶
- ۷-۲-۲ ارتباطات بین بخش های اقتصادی ..... ۳۸
- ۳-۲ روش های بررسی ارتباط بین بخش ..... ۳۹

- ۳۹..... ۱-۳-۲ الگوی تحلیل مسیر.....
- ۴۰..... ۱-۱-۳-۲ مفروضات تحلیل مسیر .....
- ۴۱..... ۲-۳-۲ برنامه‌ریزی خطی .....
- ۴۲..... ۳-۳-۲ جدول داده - ستانده .....
- ۴۳..... ۴-۳-۲ ماتریس حسابداری اجتماعی .....
- ۴۳..... ۵-۳-۲ آزمون علیت .....
- ۴۴..... ۶-۳-۲ روش رگرسیون .....
- ۴۵..... ۴-۲ روش تحقیق .....
- ۴۵..... ۱-۴-۲ مقدمه .....
- ۴۶..... ۲-۴-۲ آزمون ریشه واحد .....
- ۴۶..... ۱-۲-۴-۲ آزمون دیکی - فولر .....
- ۴۸..... ۲-۲-۴-۲ آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته .....
- ۴۹..... ۳-۲-۴-۲ آزمون فیلیپس-پرون .....
- ۴۹..... ۳-۴-۲ آزمون علیت انگل - گرنجر(۱۹۸۷) .....
- ۵۱..... ۴-۴-۲ مدل خودرگرسیو برداری VAR .....
- ۵۱..... ۱-۴-۴-۲ مقدمه .....
- ۵۲..... ۲-۴-۴-۲ شرح مدل VAR .....
- ۵۴..... ۳-۴-۴-۲ ثبات و مانایی در مدل VAR .....
- ۵۷..... ۴-۴-۴-۲ برخی از مشکلات مدل سازی VAR .....
- ۵۸..... ۵-۴-۲ توابع عکس العمل آنی .....
- ۵۸..... ۶-۴-۲ ارزیابی تجزیه واریانس خطای پیش بینی .....

## فصل سوم : نتایج و بحث

۶۰	۱-۳ مقدمه .....
۶۰	۲-۳ بررسی متغیرهای مدل .....
۶۳	۳-۳ نتایج آزمون ریشه واحد .....
۶۵	۴-۳ آزمون علیت گرنجر جهت بررسی رابطه علی .....
۶۶	۵-۳ تخمین مدل بر اساس روش خود رگرسیون برداری (VAR) .....
۶۹	۶-۳ بررسی توابع عکس العمل آنی .....
۷۳	۷-۳ تجزیه و تحلیل واریانس .....
۷۶	۸-۳ خلاصه و نتیجه گیری .....
۷۸	۹-۳ پیشنهادات .....
۷۹	منابع .....



## فصل اول

### کلیات پژوهش

## ۱-۱ مقدمه

یکی از مهمترین مسئله هایی که جوامع بشری با آنها روبرو هستند مسئله رشد و توسعه اقتصادی میباشد. رشد اقتصادی مسئله ای کمی میباشد و با بررسی داده های سالانه در خصوص پارامترهای اقتصادی جامعه قابل تحلیل میباشد. بطور معمول رشد اقتصادی ارتباط مستقیم با رشد تولید ملی دارد و میزان این دو را بطور تقریبی یکسان در نظر میگیرند. اما توسعه اقتصادی هم جنبه ی کمی و هم جنبه ی کیفی را دارا میباشد.

از بعد کمی مهمترین پارامتر در تعیین توسعه یافتگی، آمار مربوط به رشد اقتصادی می باشد. اما از بعد کیفی پارامترهای متفاوتی مانند امید به زندگی، نرخ بیسوادی، سطح بهداشت، سطح آموزشی، میزان دسترسی به امکانات اجتماعی، نسبت زاد و ولد به مرگ و میر، سرانه ی درآمد، نرخ بیکاری و برخی دیگر از عوامل مطرح میشود که مجموع این عوامل بطور کل سطح رفاه افراد جامعه را تعیین میکند. در واقع تحقق توسعه اقتصادی به منزله افزایش سطح رفاه افراد جامعه میباشد. با توجه به اهمیت مسئله توسعه اقتصادی لازم است تا عوامل تأثیر گذار بر آن جهت تدوین برنامه های مناسب برای تحقیق این مهم شناخته شود. (تودارو، ۱۳۸۶).

چهار بخش عمده اقتصادی ایران عبارت است از کشاورزی ( شامل زراعت، باغبانی، جنگلداری، شیلات و شکار ) صنعت، معدن ( شامل نفت، گاز و سایر معادن ) و خدمات. برای تدوین برنامه ای مناسب جهت رسیدن به هدف توسعه اقتصادی می بایست بخش های اقتصادی را شناخت و نسبت به ارتباط بین بخشها آگاهی یافت تا بتوان چشم اندازهای بلند مدت توسعه اقتصادی را ترسیم نمود.

بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخشهای مهم فرآیند تولید، همواره جایگاه ویژه ای در اقتصاد جهان دارد. بویژه پس از شوک های نفتی دهه هفتاد که باعث وقوع رکود اقتصادی در غرب گردید، بخش کشاورزی به عنوان بازیگر اصلی در نقش نیل به تحقق اهداف تولید درآمد، اشتغال زایی و رشد اقتصادی شناخته شد بطوری که در دهه هشتاد میلادی یکی از مسائل مهم مورد بررسی پژوهشگران، ارتباط بین توسعه کشاورزی و رشد اقتصادی بود. در کشور ایران با توجه به دارا بودن پتانسیل بالا در زمینه تولید محصولات کشاورزی، این بخش می توان در تحقق توسعه اقتصادی بسیار مؤثر واقع گردد (عسگری، ۱۳۸۲).

### ۱-۱-۱ نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی

به طور کل بخش کشاورزی معمولاً مهمترین بخش اقتصادی کشورهای در حال رشد است زیرا در قالب این کشورها رسالت تولید و تهیه مواد غذایی کشور و اندوختن بخش بزرگی از ذخایر ارزی کشور بعهدہ این بخش می باشد. بنابراین با توجه به اینکه این بخش در برگیرنده توده عظیمی از نیروهای انسانی می باشد پیشرفت کشاورزی را بایستی یکی از هدفهای بزرگ اقتصادی - اجتماعی دانست. از نظر تاریخی سهم عمده بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی یک کشور از دو طریق بوده است :

۱- افزایش بهره‌وری کشاورزی

۲- استفاده از مازادهای کشاورزی

به دلیل وابستگی ذاتی این دو هدف به یکدیگر دستیابی به آنها نیازمند گسترش توأم هر دو هدف دارد زیرا افزایش بهره‌وری معمولاً سبب می شود که کشاورزی از یک واحد اقتصادی بسته و قائم به ذات خارج و به یک واحد اقتصادی مربوط و متکی به بازار مبدل شود و مازادهای کشاورزی به عناوین ذیل تقسیم بندی می شوند

الف) مازاد نیروی انسانی

ب) مازاد واقعی

ج) مازاد مالی

منظور از مازاد نیروی انسانی این است که اگر بخش کشاورزی در کنار بخش صنعت قرار گیرد دولت از طریق برنامه‌ریزی می‌تواند نیروهای مازاد را از بخش کشاورزی خارج کرده و مرحله به مرحله آنها را در صنایع جای دهد و از این طریق از یک طرف می‌تواند نیروهای مولد صنعتی را فراهم نماید و از طرف دیگر می‌تواند با افزایش بهره‌وری تولید سرانه در بخش کشاورزی را افزایش دهد که به معنی از بین بردن بیکاری مخفی در این بخش است.

منظور از مازاد واقعی بخش کشاورزی آن قسمت از تولیدات کشاورزی است که روستائیان خود به مصرف نمی‌رسانند و آنرا با واسطه بازرگانان فرآورده‌های کشاورزی در شهرها می‌فروشند مازاد واقعی زمانی ایجاد می‌شود که با افزایش بهره‌وری در این بخش کشاورزان بیش از نیاز خود تولید کنند. معمولاً مازاد واقعی به دو صورت ظاهر می‌شود یکی به صورت کالاهای اساسی که جنبه غذایی دارد و دیگری کالاهایی است که مواد اولیه صنایع را تامین می‌کند.

ایجاد مازاد کشاورزی مستلزم توسعه بخش کشاورزی و مناطق روستایی است که از طریق بالا بردن بهره‌وری فنی و تغییرات نهادی در این بخش امکان پذیر است. به عبارت دیگر توسعه کشاورزی تنها با توسعه شبکه برق رسانی و عرضه تجهیزات و ادوات کشاورزی خلاصه نمی‌شود بلکه در برگیرنده ی کل نظام فرهنگی و اجتماعی و اصلاح و بهبود روش زندگی کشاورزی است. (Mosher and Arthur, 1962)

در توضیح مازاد مالی باید اشاره نمود با افزایش درآمد نیروهای بخش کشاورزی از طریق برنامه‌های دولت این درآمدها یا بصورت مالیات یا به صورت پس‌انداز در شهرها جهت صنعتی شدن بکار می‌رود. به بیان دیگر رشد کشاورزی می‌تواند به بهبود درآمد کشاورزان کمک نماید و سپس این درآمد به بخش غیر کشاورزی، که جمعیت نسبتاً زیادی را در روستاها به خود اختصاص داده و عمدتاً تولیداتشان کاربر است، تزریق شود (Brace & Mellor 1988) پس بخش کشاورزی از طریق این سه نوع مازاد می‌تواند رابطه بسیار ظریفی با صنعت داشته و بخش زیر بنای آن قرار می‌گیرد.

وظایف بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی را می‌توان به قرار زیر تعریف نمود:

۱- کشاورزی می‌تواند کارگران مورد نیاز صنعت را فراهم سازد.

۲- کشاورزی با بالا بردن سطح محصولات خود قادر است برای کالاهای صنعتی تقاضا ایجاد کند.

۳- کشاورزی می‌تواند پس‌انداز لازم را جهت سرمایه‌گذاری های صنعتی فراهم سازد.

۴- کشاورزی می‌تواند با تهیه کالاهای صادراتی، جهت خرید کالاهای سرمایه‌ای و غیره ارز لازم را

فراهم سازد.

۵- کشاورزی می‌تواند بجای قرضهای خارجی، مالیات به دولت بدهد.

۶- کشاورزی می‌تواند مواد غذایی کارگران صنعتی را تامین کند.

۷- کشاورزی نقش مهمی در تشکیل سرمایه دارد.

بنابراین هر قدر کشاورزی کارآمدتر باشد بهتر می‌تواند این وظایف متفاوت را انجام دهد زیرا افزایش

قدرت تولید در کشاورزی می‌تواند در توسعه اقتصادی نقش اساسی ایفا کند.

بخش کشاورزی در فرآیند توسعه نقشی اساسی و حیاتی دارد و همانطور که بیان شد در ابتدای

مسیر توسعه چنان فعالیت این بخش حائز اهمیت است که میتوان ارتباط متقابل میان توسعه بخش

کشاورزی و توسعه یافتگی اقتصاد یافت. اما رفته رفته با تحقق توسعه اقتصادی، نقش بخش کشاورزی بعنوان

عامل اصلی ایجاد فرصت های شغلی و درآمد کم‌رنگ شده و سهم کمتری را در ایجاد اشتغال جامعه و تولید

ملی به خود اختصاص میدهد. ( Clark 1957, Kuznets, 1959 ) اما این مسئله به معنای کاهش اهمیت

بخش کشاورزی در فرآیند اقتصادی نسبت و همچنین بالا بودن سهم بخش کشاورزی در اقتصاد نیز نمیتواند

دلیلی بر عقب ماندگی باشد. (Robinson 1966)

مطالعات تجربی نشان میدهد اگرچه در اوایل تحقق توسعه بخش کشاورزی تأثیر چشم گیری در رشد

اقتصادی داشته، اما با گسترش توسعه این بخش سهم کمتری در تولید ملی داشته و بخش های صنعت و

خدمات با رشد قابل ملاحظه ای سهم بیشتری را در تولید ملی و در نهایت رشد اقتصادی به خود اختصاص

میدهند. به بیان ساده کشورهایی که خواهان تحقق توسعه اقتصادی میباشد بایستی مقدمات کاهش سهم

بخش کشاورزی را فراهم آورند تا به اهداف توسعه دست یابند زیرا لازم تحقق توسعه اقتصادی، کاهش سریع

سهم نسبی بخش کشاورزی میباشد. (Mellor 1968)

در زمینه مباحث نظری توسعه اقتصادی، بسیاری از دیدگاه‌ها اقتصاد را به دو بخش تقسیم می‌کنند که متشکل از بخش کشاورزی و بخش صنعت می‌باشد و در ادبیات مختلف با اصطلاحات متفاوتی نظیر بخش سنتی و مدرن بیان می‌گردند. این نظریات بر این اساس استوار هستند که لازمه رسیدن به توسعه اقتصادی گذار از بخش سنتی و رشد و توسعه بخش مدرن می‌باشد. اما با تحقق توسعه نیز بخش کشاورزی نه تنها اهمیت خود را از دست نمی‌دهد بلکه با سیمایی تازه اهمیت دو چندان می‌یابد. بخش کشاورزی در ابتدای مسیر توسعه دارای وظایفی نظیر تأمین غذای مصرفی جامعه، ایجاد اشتغال، تأمین درآمد گروه شامل در این بخش، تأمین ارز از طریق صادرات تولیدات، تأمین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در سایر بخشها و غیره میباشد. اما پس از تحقق توسعه اگرچه برخی مسئولیت‌ها نظیر اشتغال‌زایی کم‌رنگ میشود اما برخی فعالیت‌ها مانند تأمین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در سایر بخشها (ارز آوری) به قوه‌ی خود باقی مانده و برخی دیگر از فعالیت‌ها مانند تأمین منابع غذایی رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرند.

با افزایش سطح رفاه، جامعه نه تنها خواستار غذا میباشد بلکه مسئله امنیت غذایی مطرح میشود. امنیت غذایی علاوه بر توجه به سطح کمی مصرف غذای افراد جامعه، بر سطح کیفی مواد نیز تأثیر داد. در جوامع پیشرفته و توسعه یافته افراد سعی میکنند تا با توجه به کیفیت مواد غذایی، لازمت افزایش سلامت فردی را نیز فراهم آورند که رسیدن به این مسئله در سایه‌ی توسعه بخش کشاورزی هموار میگردد. توسعه بخش کشاورزی از یکطرف غذای کافی و مناسب برای جامعه را فراهم کند و از طرفی دیگر با افزایش بازار پسندی محصولات تولیدی، زمینه را برای گسترش حضور در بازارهای جهانی و در نتیجه گسترش ارز آوری این بخش فراهم آورد.

به طور کلی مطالعات اقتصادی در سطح جهان نشان می‌دهد که همواره ارتباط متقابل و ارگانیک بین بخش کشاورزی و صنعت وجود داشته. همچنین تضادی بین رشد همزمان و هماهنگ بین این دو بخش وجود نداشته، بلکه آنها می‌توانند در جریان توسعه‌ی اقتصادی به رشد یکدیگر کمک کنند، زیرا از یک طرف بخش کشاورزی تأمین‌کننده‌ی مواد اولیه و واسطه‌ای بخش صنعت به ویژه گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی است و از سوی دیگر، توسعه‌ی بخش صنعت به شکل‌های گوناگون بر رشد بخش کشاورزی تأثیر

مثبت دارد. گسترش بخش صنعت و افزایش سطح درآمد، تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش خواهد داد، به گونه ای که توسعه صنعتی سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، مدرنیزه کردن و رشد فرصتهای شغلی جدید و پایدار در مناطق روستایی را به همراه دارد. به طور کلی بخش صنعت با تأمین مواد اولیه و کالاهای سرمایه ای و ماشین آلات بخش کشاورزی و اثرات جانبی آن، این روابط جانبی را روشنتر می کند، ضمن آنکه تکمیل زنجیره بین این دوی بخش مهم اقتصادی و تقویت روابط بین این دو در گسترش فرصتهای جدید مطابق با نیاز اقتصاد جهانی و داخلی نیز مؤثر خواهد بود (حسن زاده ۱۳۸۲).

کشاورزی برای محصولات صنایع سبک و سنگین تقاضا ایجاد میکند و مواد خام صنعتی و مواد غذایی و همچنین نیروی کار لازم را برای توسعه صنعتی کشور فراهم مینماید. کشاورزی بعنوان اصلی ترین منبع مالی لازم برای سرمایه گذاری تلقی میشود. (Hayami & Ruttan, 1970)

اگرچه تا کنون ارتباط بیان شده بخش کشاورزی و صنایع تا حدودی از بعد انتقال نیروی کار و سرمایه یکطرفه و بسمت بخش صنعت بوده، اما باید دانست که چنانچه بهره وری تولیدات کشاورزی بیشتر از فعالیت سایر بخشهای اقتصادی باشد، در آن صورت کاهش سهم بخش کشاورزی در تولیدات و اشتغال، بر معکوس شدن رابطه توسعه دلالت دارد. به بیان دیگر چنانچه بخاطر دورنمای مطلوب صادرات محصولات کشاورزی، بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی بالا باشد در آن صورت باقی ماندن افراد در بخش کشاورزی میتواند کمک بیشتری به رشد اقتصادی کند تا اینکه به بخش دیگری منتقل شود. اما چنانچه رشد تولید کشاورزی از رشد اشتغال و جمعیت کمتر باشد مشکل ساز میشود که این مسئله به ضرورت وحدت بخش کشاورزی و صنایع اشاره دارد (یوسفی ۱۳۸۲).

#### ۱-۲ وضعیت بخش های اقتصادی ایران

نگاهی کلی به میزان تولید بخشهای اقتصادی و سهم هر بخش از تولید ناخالصی ملی میتواند میزان توسعه یافتگی را نشان دهد یا حداقل بیان کند با توجه به پارامترهای تفسیر شده کشور در مسیر توسعه قرار گرفته است یا خیر. میزان تولید بخش کشاورزی در سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۱۸۴۱ میلیارد ریال بوده که این میزان با افزایش چشم گیری در سال ۱۳۷۰ به مقدار ۳۵۰۹۴ میلیارد ریال رسید و با افزایش تقریباً دو

برابری در سال ۱۳۸۹ برابر با ۷۰۸۶۳ میلیارد ریال رسیده است. رشد در میزان تولیدات بخش کشاورزی بیانگر رشد و توسعه یافتگی این بخش میباشد اما نکته ی مهم نسبت سهم نسبی بخش کشاورزی در تولیدات کل جامعه میباشد. چنانچه در سایه ی رشد تولیدات این بخش سهم آن در تولید ناخالص ملی کاهش یابد میتوان بیان داشت که از این حیث موجبات توسعه ی اقتصادی فراهم گردیده است آمار منتشر شده از بانک مرکزی نشان میدهد سهم بخش کشاورزی از کل تولید ناخالصی ملی در سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۸/۷ درصد بوده که با کاهش چشمگیر در سال ۱۳۶۰ به میزان ۱۱/۸ درصد رسیده است و در سال ۱۳۸۶ برابر با ۱۱/۳ درصد بوده است. مشاهده ی این سیر نزولی در سهم بخش کشاورزی بیانگر گام برداشتن ایران در مسیر توسعه میباشد.

آمار و ارقام نشان میدهد که میزان تولید بخش صنعت در سالهای ۱۳۳۸ ، ۱۳۵۰ ، ۱۳۷۰ ، ۱۳۸۹ به ترتیب برابر با ۳۱۷۰ ، ۱۳۳۱۶ ، ۴۶۵۸۶ ، ۱۴۹۱۸۸ میلیارد ریال میباشد. همانطور که مشاهده میشود میزان تولید بخش صنعت ملی ۵۱ سال گذشته با نرخ فراینده ای رشد یافته اما علاوه بر مسئله کمیت، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی دارای اهمیت فراوانی میباشد. سهم بخش صنعت از تولید ناخالصی ملی در سال ۱۳۳۸ برابر با ۷/۱ درصد بوده که در سال ۱۳۶۰ به ۱۵/۹ درصد میرسد و در نهایت در سال ۱۳۸۹ به ۲۷/۲ درصد افزایش یافته است. رشد سهم نسبی بخش صنعت از تولید ناخالص ملی در سایه ی رشد قابل ملاحظه تولیدات این بخش یکی از شواهد قابل اتکا و انکار نا پذیر در زمینه پذیرش گام نهادن ایران در مسیر رشد و توسعه اقتصادی میباشد.

بخش معدن یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی ایران میباشد زیرا زیر گروه نفت و گاز که در این بخش گنجانده میشود، یکی از شاهراه های اصلی تولید ملی و ارز آوری این کشور بحساب می آید. از دیدگاه توسعه، بخش معدن دارای خصوصیات نسبتاً یکسان با بخش کشاورزی میباشد. همانطور که در خصوص بخش کشاورزی بیان شده، در مسیر توسعه میبایستی علیرغم افزایش میزان تولید بخش معدن نسبت تولیدات این بخش به تولید ناخالص ملی کاهش یابد.



آمار حاکی از آن است که میزان تولیدات بخش معدن در سالهای ۱۳۳۸ ، ۱۳۶۰ و ۱۳۸۹ به ترتیب برابر با ۱۴۹۰۵ ، ۱۴۴۳۲ و ۴۷۸۷۲ میلیارد ریال میباشد. همانطور که مشاهده میشود میزان تولیدات این بخش با روند افزایش در حال صعود است که حاکی از توسعه این بخش میباشد. اما سهم نسبی بخش معدن نسبت به تولید ناخالص ملی در سالهای ۱۳۵۰ ، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۹ به ترتیب برابر با ۴۶/۴ ، ۱۷/۲ و ۸/۷ درصد میباشد. سیر نزولی نسبت سهم بخش معدن به تولید ناخالص ملی نیز نشانگر تحقق رشد اقتصادی در ایران میباشد.

در مباحث توسعه بخش صنعتی از لحاظ ویژگی های رشد و سهم در کل تولیدات اقتصادی شبیه به بخش صنعت میباشد. میزان تولیدات بخش خدمات در سالهای ۱۳۳۸ ، ۱۳۵۰ ، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۹ به ترتیب برابر ۱۷۹۸۵ ، ۵۰۹۷۰ ، ۱۲۲۹۸ و ۲۸۱۲۰۱ میلیارد ریال میباشد که سیری صعودی دارد و نسبت تولیدات این بخش به تولید ناخالص ملی در سالهای ۱۳۴۰ ، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۹ به ترتیب برابر با ۳۹/۲ ، ۴۹/۷ و ۵۱/۲ درصد میباشد. رشد سهم نسبی بخش خدمات نسبت تولید ناخالصی ملی در سایه ی رشد تولیدات این بخش مهر تأییدی بر گام نهادن ایران در مسیر توسعه ی اقتصادی میزند(کلیه ارقام و اعداد از بانک اطلاعاتی بانک مرکزی جمع آوری شده است).

## ۲-۱ اهداف پژوهش

- ۱- بررسی ارتباط میان بخش های اقتصادی
- ۲- بررسی میزان اثر پذیری بخش کشاورزی از سایر بخش های اقتصادی
- ۳- تحلیل میزان اثر گذاری بخش کشاورزی بر سایر بخش های اقتصادی

## ۳-۱ فرضیات پژوهش

- ۱- رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت بر بخش صنعت دارد
- ۲- رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت بر بخش خدمات دارد
- ۳- میزان اثر گذاری بخش کشاورزی بر سایر بخش های اقتصادی بیشتر از اثر پذیری

این بخش از سایر بخش ها می باشد

## ۴-۱ مروری بر مطالعات

کرباسی و خاکسار آستانه ( ۱۳۸۲ ) در مطالعه ای به بررسی ارتباط متقابل بین بخش های صنعت و کشاورزی پرداختند. آنها ابتدا به شناخت ارتباطات بین این دو بخش در اقتصاد ایران پرداخته و سپس ارتباط بین ارزش افزوده بخش صنعت و تولید گوجه فرنگی بعنوان جزئی از بخش کشاورزی، که مرتبط با صنعت میباشد را بررسی کردند و بر اساس آن به تجزیه و تحلیل همزمان ارزش افزوده در بخش کشاورزی و صنعت به یکدیگر پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از مکمل بودن فعالیت های دو بخش نام برده دارد و بررسی معادلات مربوط به محصول گوجه فرنگی نشان داد که تولید این محصول میتواند در رشد بخش صنعت مفید واقع شود اما کوچک بودن ضریب تولید این محصول در معادله ارزش افزوده بخش صنعت نشان میدهد که در زمان مورد بررسی، تولید گوجه فرنگی تأثیر چندانی بر رشد صنعت ندارد.

پناهی (۱۳۶۸) اثرات بخش نفت بر سایر بخشهای اقتصادی کشور را مورد تحلیل قرار داد یکی از هدفهای مطالعه نشان دادن نحوه اثر پذیری و اثر گذاری بخش نفت از سایر بخشها بود. او با استفاده از جدول داده - ستاده روابط پیشین و پسین بخش نفت با سایر بخشهای اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد. همچنین با استفاده از الگوی اقتصاد سنجی شامل بیست معادله برای دوره زمانی ۶۷-۱۳۵۱ و با بهره گیری از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) دریافت که بین بخش نفت و سایر بخشهای اقتصادی در طول سالهای مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود ندارد ، بعبارتی جریان منابع از بخش نفت به سایر بخشها مؤید این مطلب است که بخش نفت از بقیه اقتصاد جدا مانده و رشد بخش نفت نمی تواند در رشد و توسعه اقتصادی سایر بخشهای کشور به نحو مناسبی اثر گذار باشد.

سور شجاعی (۱۳۷۷) هم با استخراج شاخصهای اثر بخشی از جداول داده - ستانده - سالهای ۱۳۶۵،

۱۳۷۲ نتیجه گرفت که در سال ۱۳۶۵ بخش صنعت با درجه بهبود اثر بخشی ۰/۵۸۶ در بالاترین اولویت و

بخش کشاورزی با درجه اثر بخشی ۰/۴۸ در اولویت بعدی قرار دارد. در سال ۱۳۷۲ نیز بخش صنعت با درجه اثر بخشی ۰/۷۱ در اولین اولویت و بخش کشاورزی با درجه اثر بخشی ۰/۶ در جایگاه سوم قرار گرفت.

مجتهد و چیلر (۱۳۸۲) با استفاده از جداول داده ستانده سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۷۸ به این نتیجه رسیدند که مهمترین خدمات مرتبط با بخش کشاورزی خدمات بازرگانی، رستورانها، هتلها، خدمات حمل و نقل جاده ای، راه آهن، هوایی، خدمات ارتباطات، خدمات موسسات مالی، بانک و بیمه و خدمات تعمیراتی را شامل می شود. از میان این خدمات، خدمات بانکی و بیمه و حمل و نقل درصد بیشتری را به خود اختصاص می دهند. طبق جدول داده - ستانده ۱۳۷۸، خدمات حمل و نقل ۲۵٪ از کل خدمات ارائه شده به بخش کشاورزی را تشکیل می دهند و خدمات بانکی و بیمه ۵۶٪ از کل خدمات عرضه شده است. در کل در ایران بین بخشهای کشاورزی و خدمات ارتباط گسترده و نزدیکی وجود ندارد.

سلطانی و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان بخش کشاورزی و صنعت پرداختند. آنها با استفاده از روش جوهانسون به بررسی متغیرهای تولید ناخالص ملی، قیمت و سرمایه گذاری ناخالص داخلی بخش کشاورزی و صنعت پرداختند. نتایج حاکی از برون زایی تولید بخش کشاورزی و صنعت بود و تنها یک رابطه علیت یکطرفه از بخش کشاورزی بسمت بخش صنعت تأیید شد.

ژانگ و فلمینگام (۲۰۰۲) در بررسی خود با استفاده از الگوهای وزنی برای انعکاس وزن نسبی بخشهای صنعتی کشور چین به این نتیجه رسیدند که بخش کشاورزی یک بخش مهم ارتباطی است و گسترش تولیدات این بخش سبب ترغیب دیگر بخشهای صنعتی می شود. همچنین بخش کشاورزی با بخشهای مهم اقتصاد به خصوص بخش انرژی، معدن، بازرگانی و رستوران داری پیوند می باشد.

فیگوریدو و همکاران (۲۰۰۴) نیز با فرض اقتصاد به صورت یک سیستم یکپارچه از جریانات نهاده و محصول و انتقال آنها از یک بخش به بخش دیگر، نتیجه گرفتند که کشاورزی و دیگر بخشهایی که به طور مستقیم در ارتباط با کشاورزی هستند، به عنوان بخشهای کلیدی اقتصاد مطرح هستند.

فرانک و کامبک (۲۰۰۴)، بخش صنعت آلمان را به دو بخش صنعت صادراتی و سایر بخشهای صنعتی تقسیم کردند و تغییرات ساختاری در هر یک از بخشها را تحلیل کردند و نتیجه گرفتند که تغییر تکنولوژی